

## نگرشی قرآنی بر رابطه سبک زندگی دینی و حیات طیبه

ابراهیم ابراهیمی\*

تاریخ دریافت: ۹۳/۱/۲۱

اصغر طهماسبی بلداجی\*\*

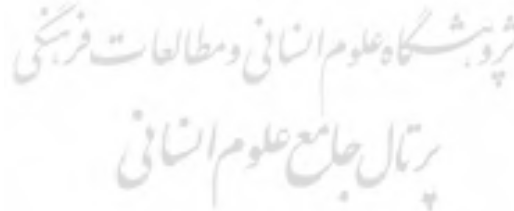
تاریخ پذیرش: ۹۳/۵/۱۲

باب الله محمدی نبی کندی\*\*\*

### چکیده

از منظر قرآن کریم زندگی اسلامی حوزه‌های متعددی دارد، که برخی از آن‌ها به عنوان زیربنا و مبنای زندگی اسلامی هستند، و اصول کلی زندگی اسلامی را تشکیل می‌دهند و برخی دیگر مؤلفه‌ها و رویکردهای عملی، رفتاری، فردی و اجتماعی می‌باشند که نقش عملی و کاربردی در زندگی اسلامی دارند. لذا قرآن کریم به افرادی که این شاخصه‌ها را دارا باشند وعده حیات طیبه داده است. بر همین اساس در جستار پیش رو پس از بررسی مفهوم حیات طیبه و سبک و سیاق زندگی اسلامی رابطه آن دو مورد تحلیل و بررسی قرار گرفته و با توجه به این مهم، رهاوردهای غایی آن بیان گردیده است.

کلیدواژگان: قرآن کریم، حیات طیبه، سبک زندگی اسلامی، ایمان، عمل صالح.



dr.e.e.978@gmail.com

tahmasebiasghar@yahoo.com

babbavba@yahoo.com

\* دانشیار علوم قرآن و حدیث دانشگاه اراک.

\*\* دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه اراک، مدرس دانشگاه.

\*\*\* کارشناس ارشد علوم قرآن کریم، دانشکده علوم و فنون قرآن تهران.

## مقدمه

در طول تاریخ، برای همه انسان‌ها این سؤال مطرح بوده که هدف زندگی چیست و انسان برای چه زندگی می‌کند. آفریدگار نظام هستی، جهان و انسان را به چه هدفی آفریده است؟ هدف خلقت جهان و انسان چیست؟ باید توجه داشت منظور از سؤال مطروح این نیست که بدانیم غایت آفرینش چیست، بلکه منظور، بررسی هدف و کمال انسان می‌باشد. به دیگر سخن؛ ماهیت انسان چیست؟ تا تبیین شود که سبک زندگی شایسته آدمی در این جهان چه می‌باشد. یکی از آموزه‌های مشترک همه ادیان الهی این است که در متون دینی؛ از یک سو سبک زندگی غیر الهی مذمت و تخطئه شده و آسیب‌شناسی در خوری از سبک زندگی آنان به عمل آمده، این نکته هم ناظر به ساخت فردی انسان‌ها و هم ناظر به ساخت جمعی آدمی است. برخی از آیات قرآن (همانند عصر / ۲؛ احزاب / ۷۲؛ ابراهیم / ۳۴؛ علق / ۶؛ معارج / ۱۹؛ شوری / ۴۸؛ زخرف / ۱۵) وضع موجود انسان را مورد مذمت قرار می‌دهد.

برخی دیگر از آیات قرآن هم چون عنکبوت / ۲ - ۳؛ انفال / ۲۵؛ ابراهیم / ۴۲ بخشی از ساحت جمعی انسان‌ها را مورد نکوهش قرار می‌دهد. از سوی دیگر در قرآن کریم، سبک زندگی مورد تأیید اسلام نیز بیان شده است تا انسان‌ها بدانند، سبک زندگی مطلوب اسلامی چیست؟ و ویژگی‌ها و آثار آن چه می‌باشد؟ به گونه‌ای که بتوانند با توجه به آن اصول، از سبک زندگی غیر اسلامی رهایی یافته و در رسیدن به حیات طیبه تلاش کنند. از این رو مبدأ نظام، آفرینش را به گونه‌های مختلف بیان کرده و نیز خود انسان و پایان زندگی دنیوی او را ترسیم نموده، و دو نوع سبک زندگی الهی و غیر الهی را بیان کرده و ویژگی‌ها و آثار هر دو را به شکل واضح تبیین کرده است؛ و انسان را مخیر در انتخاب فرموده است.

## حیات طیبه در لغت و اصطلاح

در «اقرّب الموارد»، الحیاة به معنی "نقیض الموت" و الحی به معنی "ضد المیت" آمده است (الخوری الشرتونی اللبنانی، ۱۸۸۹م، ج ۱: ۲۵۱؛ الطریحی، ۱۳۶۷ش، ج ۱: ۶۱۲).

راغب در «مفردات» حیات را به معنای نیروی حس کننده و حساس، قوه و نیروی عمل کننده عاقله می‌داند (راغب اصفهانی، ۱۳۷۵ ش، ج ۱: ۵۶۹).

در «معجم الوسیط» حیات به معنای رشد، نمو، بقا، منفعت، سود، زندگانی، چیزهایی که جانداران و جمادات را از هم جدا می‌کند می‌باشد (ریگی، ۱۳۸۴ ش، ج ۱: ۴۷۷).

واژه «طیب» به معنای دلچسبی، طبع پسندی: «طاب الشی طیباً» یعنی دلچسب و طبع پسند شد. اصل آن طیب است که حواس از آن لذت می‌برد. نقیض طیب، خبیث است (قرشی، ۱۳۷۸ ش، ج ۵: ۲۵۷). از دیگر معانی واژه «طیب» بوی خوش، پاکیزه، طاهر ﴿وهدوا إلى الطیب من القول﴾ (حسینی دشتی، ۱۳۶۹ ش، ج ۷: ۱۱۵). دور بودن از هرگونه ناپاکی، هر چیزی که از آلودگی ظاهری و باطنی به دور و خود نیز شایسته و با نشاط باشد است (مصطفوی، ۱۳۸۰، ج ۷: ۱۵۱).

حیات طیبه در اصطلاح عبارت است از حیاتی واقعی و جدید که خداوند به آنانی که سزاوارند افاضه می‌فرماید، و این حیات جدید و اختصاصی جدای از زندگی سابق که همه در آن مشترک‌اند نیست، در عین اینکه غیر آن است، همان است. تنها اختلاف به مراتب است نه به عدد، پس کسی که دارای آن چنان زندگی است، دو نوع زندگی ندارد بلکه زندگی اش قوی‌تر، روشن‌تر و واجد آثار بیش‌تر است (طباطبایی، ۱۳۶۷ ش، ج ۱۲: ۴۹۱). آثاری که در زندگی فردی و اجتماعی متجلی است. به عبارت دیگر حیات طیبه یعنی تحقق جامعه‌ای قرین با آرامش، امنیت، رفاه، صلح، محبت، دوستی، تعاون و مفاهیم سازنده انسانی که از نابسامانی‌ها و درد و رنج‌هایی که بر اثر استکبار، ظلم، طغیان، هواپرستی و انحصارطلبی به وجود می‌آید و آسمان زندگی را تیره و تار می‌سازد؛ در امان است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۲، ج ۱۱: ۳۹۱).

## واکاوی حیات طیبه

مهم‌ترین آیه‌ای که درباره حیات طیبه در قرآن ذکر شده، آیه ۹۷ سوره نحل

می‌باشد:

﴿مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِّنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنفَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ﴾ (نحل / ۹۷)

«هر کس کار شایسته‌ای انجام دهد، خواه مرد باشد یا زن، در حالی که مؤمن است، او را به حیاتی پاک زنده می‌داریم و پاداش آن‌ها را به بهترین اعمالی که انجام می‌دادند، خواهیم داد.»

تکامل در گرو این است که انسان به اخلاق الهی متخلق شود تا به صفات کمال، آراسته گردد و این می‌تواند بهترین نوع زندگی باشد که قرآن از آن به حیات طیبه یاد می‌کند. پرسشی در اینجا مطرح است، و آن اینکه: حیات طیبه در دنیا یا آخرت تحقق می‌یابد؟ اگر در دنیا تحقق نیابد، در برزخ به وقوع می‌پیوندد یا در قیامت؟ مفسران در این باره وجوهی ذکر کرده‌اند از جمله گروهی گفته‌اند: حیات طیبه، حیات بهشتی است که مرگ ندارد و فقر و بیماری و هیچ آفت و شقاوت دیگری آن را تهدید نمی‌کند (فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۲۰: ۱۱۳). که با این تفسیر حیات طیبه مربوط به زندگی دنیوی نیست. برخی دیگر، حیات طیبه را حیات برزخی دانسته‌اند (آلوسی، ۱۴۱۵ق، ج ۱۴: ۲۲۶).

علامه طباطبایی پس از نقل این قول می‌افزاید: «شاید وجه تخصیص حیات طیبه به برزخ این است که صاحب این قول، ذیل آیه را حمل کرده به جنت آخرت. بنابراین برای ظرف تحقق حیات طیبه جز برزخ چیزی به نظرش نرسیده است» (طباطبایی، ۱۳۶۷ش، ج ۱۲: ۳۴۳). گروه سوم، ظرف تحقق حیات طیبه را همین دنیا دانسته‌اند. لیکن در ویژگی‌ها و شاخصه‌های آن نظرات گوناگونی ابراز داشته‌اند. برخی حیات دنیوی توأم با قناعت و رضا را مصداق آن دانسته و آن را پاکیزه‌ترین زندگی بر شمرده‌اند (طبرسی، ۱۳۷۲ش، ج ۶: ۳۸۴).

حال بعد از معرفی لغوی و اصطلاحی حیات طیبه و اینکه در کجا می‌تواند تحقق یابد، در ادامه، راه‌های رسیدن به حیات طیبه و رابطه آن با زندگی اسلامی خواهیم پرداخت. عوامل رسیدن حیات طیبه عبارت‌اند از: ۱- ایمان؛ که دربردارنده تمامی شاخصه‌های و مؤلفه‌ها عملی و رویکردهای زندگی اسلامی می‌باشد. ۲- عمل صالح؛ که در واقع مؤلفه‌های عملی و رویکردهای رفتاری و فردی و اجتماعی را در بر می‌گیرد.

### ۳. راه های رسیدن به حیات طیبه و رابطه آن با زندگی اسلامی

﴿مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِّنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنَّىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ﴾

«هر کس که کار شایسته‌ای انجام دهد؛ خواه مرد باشد یا زن در حالی که مومن است؛ او را به حیاتی پاک، زنده می‌داریم. و پاداش آن‌ها را به بهترین اعمالی که انجام می‌دادند خواهیم داد.»

این آیه مهم‌ترین راه دستیابی به حیات طیبه را ایمان و عمل صالح معرفی می‌کند. رابطه این دو عامل با زندگی اسلامی این است که زندگی اسلامی بر محور این دو عامل می‌چرخد. به عبارت صریح‌تر این دو عامل زندگی اسلامی را تشکیل می‌دهند و سبک و سیاق اسلامی بودن آن را مشخص می‌کنند؛ و از طرفی دیگر زمانی که زندگی اسلامی شکل بگیرد، مقدمات رسیدن به حیات طیبه فراهم می‌شود. جان کلام اینکه زندگی اسلامی پیش‌زمینه و مقدمه حیات طیبه است و کسی که می‌خواهد به حیات طیبه برسد ابتدا باید حیات اسلامی داشته باشد که سبک و سیاق این حیات اسلامی در قرآن کریم و آموزه‌های مفسران واقعی آن اهل بیت (ع) مشخص شده است. با این توضیح ابتدا این دو عامل را در رسیدن به حیات طیبه توضیح می‌دهیم آنگاه مؤلفه‌ها و شاخصه‌ها و رویکردهای این دو عامل که زندگی اسلامی را تشکیل می‌دهند را بیان می‌کنیم.

### ایمان

ایمان به معنای ضد کفر و تصدیق که ضدش تکذیب است آمده، و هم‌چنین به معنای رهایی از ترس آنجا که خداوند می‌فرماید: ﴿وَأَمْتَهُمْ مِنْ خَوْفٍ﴾ (قریش/۴) (ابن‌منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱۳: ۲۱). اغلب ایمان را از ماده امن به معنای طمأنینه داشتن روح، آرامش خاطر و از بین رفتن بیم و هراس می‌دانند (راغب اصفهانی، ۱۳۷۵ش، ج ۱: ۹۰). ایمان در اصطلاح گرایش قلبی و وابستگی فکری، اعتقادی و روانی به یک معبود، به یک قطب حاکم و مرکز است به شکلی که انسان بر طبق آن عمل بکند و به لوازم ایمان و تعهدات آن پایبند باشد. بنابراین در این مفهوم باور نهفته است. یعنی قبول یک مطلب به وضوح و روشنی و به نحوی که دل را مسخر کرده و روشن سازد و دل، زنده به

آن باور باشد (کاشانیها، ۱۳۸۶ش: ۱۵). ایمان دارای دو رکن اساسی یعنی التزام قلبی و ظهور عملی است. اگر عملی بدون التزام و اعتقاد قلبی و باور به حقانیت آن از فرد صادر شود؛ نشان ایمان او نیست و هم‌چنین در صورتی که التزام قلبی مجال بروز پیدا نکند و در مقام عمل ظاهر نگردد بیان نقصان و کاستی در ایمان است (اعرافی، ۱۳۷۶ش: ۴۳).

بنابراین اگر انسان کافر، بیمارستانی ساخت، ممکن است از شهرت و تکریم نزد مردم برخوردار باشد ولی آن حیات طیبی که منظور قرآن است برای او نیست، زیرا جان او آلوده است چنین کسی چگونه می‌تواند به حیات طیبه برسد؟ (جوادی آملی، ۱۳۷۸ش: ۴۰).

با این توضیح، ایمان دربردارنده تمامی شاخصه‌ها و مؤلفه‌های کلی و عملی زندگی اسلامی است زیرا زیربنای زندگی اسلامی ایمان است که از آن تعبیر به اعتقادات می‌کنیم، و این ایمان اگر واقعی باشد توأمان با عمل صالح می‌شود به گونه‌ای که این ایمان راسخ به کل زندگی انسان جهت می‌دهد.

### عمل صالح

از نشانه‌های ایمان حقیقی آن است که علاوه بر تصدیق قلب و اقرار زبان، عمل نیز با آن توأم باشد. آیات متعددی قرین‌بودن ایمان و عمل صالح را بیان می‌کنند از جمله:

﴿وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَنُكَفِّرَنَّ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَحْسَنَ الَّذِي كَانُوا يَعْمَلُونَ﴾ (عنکبوت/۷)

«و کسانی که ایمان آورده، و کارهای شایسته کرده‌اند، قطعاً گناهان‌شان را از آنان می‌زداییم، و بهتر از آنچه می‌کردند پاداش‌شان می‌دهیم».

﴿وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ كَبِيرٌ﴾ (فاطر/۷)

«و کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند، برای آنان آمرزش و پاداشی بزرگ است».

و آیات دیگر (نک: شعراء/۲۲۷؛ روم/۱۵؛ عصر/۳). ایمان زمانی ارزشمند خواهد بود و می‌توان از آن تعبیر به ایمان واقعی کرد که عمل صالح آن را تأیید کند. عمل صالح عملی است که در شرع به عنوان واجب یا مستحب معرفی شده است و سالک از طریق انجام آن می‌تواند سیر و سلوک کند و به مقام قرب نائل گردد. عمل صالح از راه نیت و

اخلاص در نفس فاعل اثر می‌گذارد و او را رشد و تکامل می‌دهد. عمل صالح، وسیله تکامل نفس، تقرب به خدا، نیل به درجات عالی انسانیت و زندگی پاک و پاکیزه است (امینی، ۱۳۷۳ ش: ۲۵۴).

### رابطه زندگی اسلامی و حیات طیبه

همان‌طور که بیان شد، حیات طیبه نمونه والایی از زندگی است و مصادیق متعددی دارد، که هم در دنیا و هم در آخرت متجلی می‌شوند. از سویی دیگر رسیدن به این حیات، در پرتو ایمان و عمل صالح است و این دو مورد، زندگی اسلامی را تشکیل می‌دهند.

بنابراین راه رسیدن به حیات طیبه داشتن زندگی اسلامی است. قرآن کریم سبک زندگی اسلامی را به گونه‌ای کامل ترسیم، و به همه جوانب آن اشاره می‌کند. زندگی اسلامی دارای شاخصه‌های کلی، مؤلفه‌های عملی و رفتاری است که در دو حیطه فردی و اجتماعی نمایان می‌شود. در ادامه موارد پیش گفته را مورد بررسی و تحلیل قرار می‌گیرد.

### شاخصه‌های کلی سبک و سیاق زندگی اسلامی

اصلی‌ترین بعد زندگی اسلامی و زیربنائی‌ترین رکن آن، اعتقادات می‌باشد که شاخصه‌ها و مؤلفه‌های زندگی اسلامی از آن نشأت می‌گیرد. به بیان دیگر این اصول اساسی هستند که به زندگی معنای اسلامی بودن را می‌دهند.

این شاخصه‌ها زمینه‌های لازم برای رسیدن به حیات طیبه را فراهم می‌نمایند که از آن تعبیر به ایمان می‌شود. خطاب‌های قرآن در این زمینه گویای مطلب می‌باشد، قرآن کریم در خطاب به مؤمنان از جمله «یا ایها الذین امنوا» استفاده می‌کند که مشخص می‌شود این ایمان اولین و اساسی‌ترین معرفه زندگی اسلامی است.

## خداباوری

یکی از مهم‌ترین و جامع‌ترین اصولی که قرآن درباره آن بحث گسترده‌ای دارد توحید است. بدون شک لازمه اصلی زندگی اسلامی، اصل یگانه دانستن خداوند است. در این باره آیات متعددی وجود دارد از جمله:

﴿الَّذِينَ آمَنُوا وَلَمْ يَلْبِسُوا إِيمَانَهُمْ بِظُلْمٍ أُولَئِكَ لَهُمُ الْأَمْنُ وَهُمْ مُهْتَدُونَ﴾ (انعام/۸۲)

«کسانی که ایمان آورده و ایمان خود را به شرک نیالوده‌اند، آنان راست ایمنی و ایشان راه‌یافتگان‌اند».

مراد از ایمان در آیه مورد بحث، اعتقاد به توحید مبدأ است. وقتی توحید در جان انسان رسوخ کند او را از ظلم می‌رهاند از این رو ایمان مزبور به عدم ظلم مقید شده است (جوادی آملی، ۱۳۸۷ش، ج ۲: ۵۶۲). ایمان انسان مؤمن خالی از هرگونه شرک می‌باشد چنانکه پیامبر اکرم (ص) منظور از «ظلم» را در این آیه به «شرک» تفسیر کرده‌اند (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۶۶: ۱۵۰). توحید در زندگی اسلامی به صورت راسخ در قلب انسان مؤمن رسوخ می‌کند که هرگونه شرک و پلیدی را از آن می‌زداید. این توحید خالص آثار والایی در زندگی دنیوی و اخروی بر جا می‌گذارد زیرا چنین انسانی آینده‌ای روشن دارد. از این رو غمگین نمی‌شود و وحشت‌زده نیست و قهراً هیچ چیزی نمی‌تواند موجب دلهره و یأس او شود.

قرآن درباره چنین افرادی می‌فرماید:

﴿إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَبْشِرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنتُمْ تُوعَدُونَ﴾

«در حقیقت کسانی که گفتند پروردگار ما خداست سپس ایستادگی کردند، فرشتگان بر آنان فرود می‌آیند [و می‌گویند:] هان، بیم مدارید و غمین مباشید، و به بهشتی که وعده یافته بودید شاد باشید».

## آخرت محوری

در آیات آغازین سوره بقره یکی از ویژگی‌های بارز متقین که نمونه شاخص کسانی هستند که زندگی آن‌ها زندگی نمونه اسلامی است، اعتقاد با یقین به روز واپسین است.



﴿وَالَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْكَ وَمَا أُنزِلَ مِنْ قَبْلِكَ وَبِالْآخِرَةِ هُمْ يُوقِنُونَ﴾ (بقره/۴)

«و آنان که بدانچه به سوی تو فرود آمده، و به آنچه پیش از تو نازل شده است، ایمان می آورند و به آخرت یقین دارند».

یاد قیامت و ایمان به آن یکی از عوامل وارستگی انسان است زیرا کسی که به معاد اعتقاد داشته باشد و آن را فراموش نکند پارسا خواهد بود، و همه اعمال و رفتار را تحت مراقبت ویژه قرار می دهد و سعی و تلاش همه جانبه دارد تا آن ها را بر خشنودی خداوند استوار ساخته، در مدار شهوات، آرزوهای باطل و هوس های شیطانی نگردد (جوادی آملی، ۱۳۸۶ش، ج ۴: ۲۲). همان گونه که پیامبر اکرم (ص) می فرماید: «کما تعیشون تموتون و کما تموتون تبعثون» (احسائی، ۱۴۰۳ق، ج ۴: ۷۲): «آنگونه که زندگی می کنید می میرید و همان طور که می میرید در قیامت برانگیخته می شوید».

از سوئی دیگر اعتقاد به معاد آثار سوء مادی گری، تصور مرگ و نیستی، عقده های روانی و اختلال در عزت نفس را از بین می برد و نقش اساسی در پیشگیری از بروز بیماری های روانی دارد. اعتقاد به وجود حیات پس از مرگ، در مقابله با ناملایمات ناشی از مرگ و داغ دیدگی نقش مهمی دارد به گونه ای که آدمی در پرتو نور خداوند خود را می یابد و به عدل و فضل خداوند امیدوار می شود (محمدی و همکاران، ۱۳۹۰ش: ۸۵). بنابراین اعتقاد به معاد علاوه بر زیربنائی بودن اعتقادات، سبک زندگی را ترسیم و به آن جهت می دهد و انسان را به سوی حیات طیبه رهنمون می سازد.

## ولایت پذیری

اهمیت بحث از امامت و ولایت در سبک زندگی اسلامی از اینجا مطرح می شود که پیامبر اکرم (ص) می فرماید: «من مات ولم يعرف امامه مات میتة الجاهلیة» (کلینی، ۱۳۸۸ق، ج ۱: ۳۷۷): «هر کس بمیرد و امام خود را نشناسد مردن اش مانند مردن زمان جاهلیت است». قرآن کریم به عنوان آخرین کتاب آسمانی تمام مواردی را که انسان در مسیر کمال و سعادت به آن نیاز دارد بیان فرموده:

﴿وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ﴾

به این مطلب مهم نیز توجه داشته و ولی و سرپرست انسان را معرفی فرموده:

﴿إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ﴾

(مائده/۵۵)

«ولیّ شما، تنها خدا و پیامبر اوست و کسانی که ایمان آورده‌اند. همان کسانی که نماز بر پا می‌دارند و در حال رکوع زکات می‌دهند».

فریقین در اینکه مراد از این آیه/مأم علی(ع) است اتفاق دارند؛ زیرا وقتی انگشترش را در حال رکوع صدقه داد این آیه نازل گردید(طبری، ۱۴۱۵ق، ج ۶: ۳۸۸؛ ابن کثیر، ۱۴۲۲ق، ج ۲: ۷۴). علاوه بر این ولایت و امامت امامان بعد تا/مأم زمان(عج) طبق خطبه غدیر که متواتر و قطعی الصدور است مشخص شده است(امینی، ۱۳۹۷ق، ج ۱: ۳۶-۳۱؛ ابن سعد، بی تا، ج ۲: ۱۷۳).

هم‌چنان که پیامبر اکرم(ص) در حدیث معتبر ثقلین(مجلسی، ۱۳۶۲ش، ج ۲۳: ۱۰۶؛ احمد بن حنبل، ۱۴۰۴ق، ج ۳: ۱۴) قرآن و عترت را دو رکن جدائی‌ناپذیر معرفی کرده و تمسک به آن دو با هم را رمز رهائی از گمراهی و ضلالت بر شمرده است. بنابراین شرط رهائی از ضلالت و گمراهی و داشتن زندگی اسلامی، اعتقاد راسخ به ولایت و امامت ائمه(ع) می‌باشد. اعتقاد به ولایت و الگو قرار دادن امامان(ع) در زندگی ثمره مهم‌اش محشور شدن با آن بزرگواران در قیامت می‌باشد که روایات عدیده‌ای بر این مطلب تأکید دارند(عیاشی، بی تا، ج ۲: ۳۰۲؛ سیوطی، بی تا، ج ۴: ۱۹۴).

### مؤلفه‌های عملی زندگی اسلامی

در این بخش به برخی از مواردی که در زندگی اسلامی جنبه عملی دارند اشاره می‌شود که انسان مؤمن در پرتو فرامین عملی قرآن آن‌ها را انجام می‌دهد.

### اقامه نماز

از جمله مواردی که بر مؤمنان واجب شده و موظف به انجام آن می‌باشند، نماز است که وجوب نمازهای پنج‌گانه در آیه مبارکه

﴿أَقِمِ الصَّلَاةَ لِدُلُوكِ الشَّمْسِ إِلَى غَسَقِ اللَّيْلِ وَقُرْآنَ الْفَجْرِ إِنَّ قُرْآنَ الْفَجْرِ كَانَ مَشْهُودًا﴾

(اسراء/۷۸)

بیان شده است. نماز نوعی عبادت سامان یافته می‌باشد که به عنوان عبادت برتر عامل مؤثری در نجات انسان از غوطه‌ور شدن در آلودگی‌ها است:

﴿وَأَقِمِ الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَلَذِكْرُ اللَّهِ أَكْبَرُ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا تَصْنَعُونَ﴾ (عنکبوت/۴۵)

«و نماز را بر پا دار، که نماز از کار زشت و ناپسند باز می‌دارد، و قطعاً یاد خدا بالاتر است، و خدا می‌داند چه می‌کنید».

قرآن کریم یکی از ویژگی‌های سبک زندگی متقین را اقامه نماز معرفی می‌کند:

﴿ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ﴾ (بقره/۳-۲)

«این است کتابی که در [حقانیت] آن هیچ تردیدی نیست [و] مایه هدایت تقوای پیشگان است: آنان که به غیب ایمان می‌آورند، و نماز را بر پا می‌دارند، و از آنچه به ایشان روزی داده‌ایم انفاق می‌کنند».

کسی که شبانه‌روز حداقل پنج بار در برابر خداوند قرار می‌گیرد، و با او به راز و نیاز می‌پردازد، فکر او، عمل او، گفتار او، همه خدایی می‌شود، و چنین انسانی چگونه ممکن است بر خلاف خواست او گام بردارد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۲ ش، ج ۱: ۷۳). علاوه بر این نماز روح انسان را در برابر سختی‌ها مقاوم می‌کند چنانکه قرآن می‌فرماید:

﴿إِنَّ الْإِنْسَانَ خُلِقَ هَلُوعًا إِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ جَزُوعًا وَإِذَا مَسَّهُ الْخَيْرُ مَنُوعًا إِلَّا الْمُصَلِّينَ الَّذِينَ هُمْ عَلَىٰ صَلَاتِهِمْ دَائِمُونَ﴾ (معارج/۲۳-۱۹)

«به راستی که انسان سخت آزمند [و بی‌تاب] خلق شده است. چون صدمه‌ای به او رسد عجز و لابه کند. و چون خیری به او رسد بخل ورزد. غیر از نمازگزاران همان کسانی که بر نمازشان پایداری می‌کنند».

امام علی (ع) در این باره می‌فرماید: «نماز به همه وجود انسان آرامش می‌بخشد، چشم‌ها را خاشع و خاضع می‌گرداند، نفس سرکش را آرام و دل‌ها را نرم و تکبر و خود بزرگ‌بینی را محو می‌کند (نهج البلاغه، ۱۳۸۵ ش، خطبه ۱۹۶).

## روزه

یکی دیگر از موارد عملی در زندگی اسلامی که تأثیرات والایی دارد روزه می‌باشد. وجوب روزه را خداوند مقرر فرموده تا مردم خودنگهدار، پارسا و باتقوا شوند چنانکه می‌فرماید:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِن قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ﴾

(بقره/۱۸۳)

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید، روزه بر شما مقرر شده است، همان‌گونه که بر کسانی که پیش از شما [بودند] مقرر شده بود، باشد که پرهیزگاری کنید».

روزه در میان عبادات اسلامی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. روزه‌داری برکات و آثار سازنده اجتماعی، اخلاقی، تربیتی، فردی است و به همین جهت خداوند این نعمت را برای همه جوامع بشری در تمام اعصار واجب نموده است، تا از آثار و برکات آن بهره جویند (هاشم زاده هریسی، ۱۳۸۶ ش، ج ۲: ۲۳۴-۲۳۳). به خاطر آثار قابل توجه روزه است که می‌فرماید:

﴿وَأَن تَصُومُوا خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنتُمْ تَعْلَمُونَ﴾ (بقره/۱۸۴)

«و اگر بدانید، روزه گرفتن برای شما بهتر است».

چنانکه نتایج تحقیقات دانشمندان در این باره کاملاً مشهود است. بر اساس این تحقیقات روزه‌داری به گونه‌ای معنادار باعث کاهش علائم اضطرابی، بهبود در عملکرد اجتماعی و کاهش افسردگی شده است (مالونی و همکاران، ۲۰۰۰م: ۲۵۸).

## زکات

از دیگر مواردی که در آیات قرآن و احادیث معصومین (ع) به اهمیت آن اشاره شده، زکات است. از اولین وظایف حکومت صالحان رسیدگی به فقرا در سایه پرداخت زکات است:

﴿الَّذِينَ ان مَّكَّنَاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ﴾ (حج/۴۱)

پیامبر اکرم(ص) سوگند یاد کرد که جز مشرک کسی در مورد پرداخت زکات خیانت نمی‌کند(مجلسی، ۱۳۶۶ش، ج ۹۶: ۲۹). در جای دیگر خطاب به امیر المؤمنین(ع) می‌فرماید: «یا علی! ده گروه از امت من کافر می‌شوند که یکی از گروه‌ها کسانی هستند که زکات نمی‌پردازند»(مجلسی، ۱۳۶۶ش، ج ۹۶: ۳۰). بنابراین پرداخت زکات از دیگر مؤلفه‌های زندگی اسلامی است که راه و سبک آن در قرآن کریم و روایات معصومین(ع) مشخص شده است.

### امر به معروف و نهی از منکر

امر به معروف و نهی از منکر نیز از اعمال عبادی یک شخص است که آثار آن به خوبی در فرد و جامعه نمایان است. قرآن کریم می‌فرماید:

﴿وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ﴾ (آل عمران/۱۰۴)

«و باید از میان شما، گروهی [مردم را] به نیکی دعوت کنند و به کار شایسته وادارند و از زشتی باز دارند، و آنان همان رستگاران‌اند».

دعوت به خیر و امر به معروف و نهی از منکر از اموری است که اگر واجب باشد طبعاً واجب کفایی خواهد بود. چون بعد از آنکه فرضاً یکی از افراد جامعه این امور را انجام داد، دیگر معنا ندارد که بر سایر اجتماع نیز واجب باشد که همان کار را انجام دهند. پس افرادی در جامعه هستند که این کار را انجام می‌دهند ولی بازخواست و عقاب در تخلف این وظیفه، متوجه تک تک افراد است. اما پاداش و اجرش از آن کسی است که وظیفه را انجام داده باشد و به همین جهت است که می‌بینیم دنباله جمله فرمود(شمس، ۱۳۸۴ش، ج ۱: ۲۶۴-۲۶۳):

﴿وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ﴾

در آیه دیگر خداوند می‌فرماید:

﴿كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ﴾

(آل عمران/۱۱۰)

«شما بهترین امتی هستید که برای مردم پدیدار شده‌اید: به کار پسندیده فرمان می‌دهید، و از کار ناپسند باز می‌دارید».

در این آیه امر به معروف و نهی از منکر از مسائل زیربنایی اسلام مطرح شده است. بهتر بودن امت اسلام که برای خلق نمونه کامل است بر سه پایه استوار است: ایمان به خداوند، امر به معروف و نهی از منکر. دو اصل مهم توبیخ و تشویق، نگهبان جامعه است و باید جامعه دارای حافظه باشد و سوابق افراد خود را حفظ کند و همیشه نیکوکاران را پاداش و بدکاران را کیفر دهد تا فساد و تباهی در آن ریشه نزنند (کمالی دزفولی، ۱۳۷۰ ش: ۳۶۸). در این باره / امام علی (ع) می‌فرماید: «امر به معروف و نهی از منکر را رها نکنید در غیر این صورت بدترین شما بر شما حاکم می‌شوند آنگاه هر چه خدا را بخواهید جواب ندهد» (نهج البلاغه، ۱۳۸۵ ش، نامه ۴۷).

### رویکردهای رفتاری در زندگی اسلامی

منظور از رویکردهای رفتاری مواردی هستند که انسان مؤمن در زندگی خود به آن‌ها نیاز دارد؛ به عبارت دیگر زندگی هر انسانی با فراز و نشیب‌هایی روبه‌رو است که در سختی‌ها و مشکلات اگر راهکاری در مواجهه با آن‌ها نداشته باشد، دچار شکست و سرخوردگی و بیماری‌های روحی و روانی می‌شود که از مهم‌ترین آن‌ها افسردگی است. قرآن کریم که به همه جنبه‌های زندگی اسلامی توجه داشته و سبک زندگی را در همه زمینه‌ها بیان فرموده، با توجه به اهمیت رویارویی انسان با مشکلات و سختی‌ها، مواردی را جهت مقابله و غلبه بر آن‌ها بیان فرموده است.

### تقویت امید و نشاط در زندگی و منع ناامیدی

ناامیدی و یأس صفت بسیار ناپسندی است که قرآن آن را از ویژگی‌های بارز کافران معرفی می‌کند:

﴿وَلَا تَيَاسُوا مِنْ رَوْحِ اللَّهِ إِنَّهُ لَا يَيْئَسُ مِنْ رَوْحِ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْكَافِرُونَ﴾ (یوسف/۸۷)

«و از رحمت خدا نومید مباشید، زیرا جز گروه کافران کسی از رحمت خدا نومید نمی‌شود».

سبک زندگی اسلامی به گونه‌ای می‌باشد که روح امید و نشاط در هر زمان و در هر شرایط در آن حکم‌فرما است، و تحت هیچ شرایطی یأس و ناامیدی در آن راه ندارد. زیرا انسان مؤمن در دشوارترین حالات بر خدا تکیه می‌کند و به رحمت او امیدوار است. چنانکه این مهم در تحقیقات پزشکی مشخص شده است به گونه‌ای که بیمارانی که به خداوند به عنوان منشأ مطلق قدرت ایمان دارند، و با انجام فرائض دینی آرامش پیدا می‌کنند. در هنگام ترخیص از بیمارستان به صورت معناداری دارای درجه پائین‌تری از افسردگی هستند (سادوک، ۱۳۷۶ ش: ۴۱).

انسان مؤمن در هر شرایطی هدف الهی او مهم‌تر از هر چیز دیگر است و در سخت‌ترین شرایط نیز خداوند را از یاد نمی‌برد و به رحمت او امیدوار است. / امام صادق (ع) می‌فرماید: «مؤمن از کوه پایدارتر و استوارتر است زیرا کوه به وسیله کلنگ کاستی می‌پذیرد، ولی دین مؤمن با هیچ کلنگ کاستی و سستی نمی‌پذیرد» (حر عاملی، ۱۳۸۳ ق، ج ۱۱: ۴۲۴).

## دعا

زندگی اسلامی بدون دعا معنا ندارد. دعا نوعی رابطه عاطفی میان خدا و انسان است که خود را در همه شرایط محتاج خداوند می‌بیند. خداوند متعال خطاب به بندگان اش می‌فرماید:

﴿وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ فَلْيَسْتَجِيبُوا لِي وَلْيُؤْمِنُوا بِي لَعَلَّهُمْ يَرْشُدُونَ﴾ (بقره/۱۸۶)

«و هرگاه بندگان من، از تو درباره من بپرسند، [بگو] من نزدیک‌ام، و دعای دعاکننده را- به هنگامی که مرا بخواند- اجابت می‌کنم، پس [آنان] باید فرمان مرا گردن نهند و به من ایمان آورند، باشد که راه یابند».

در این آیه با همه اختصارش هفت مرتبه ضمیر متکلم (من) تکرار شده، و آیه‌ای به چنین اسلوب در قرآن منحصر به همین آیه است (طباطبایی، ج ۲: ۳۲) و از این راه نهایت پیوستگی و قرب و ارتباط و محبت خود را نسبت به آنان مجسم ساخته است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۲ ش، ج ۱: ۶۳۸). / امام صادق (ع) می‌فرماید: «زیاد دعا کنید زیرا دعا کلید

بخشش خداوند و وسیله رسیدن به هر حاجت است، نعمت‌ها و رحمت‌هایی نزد پروردگار است که جز با دعا نمی‌توان به آن رسید! و بدان هر در را که بکوبی عاقبت گشوده خواهد شد» (کلینی، ۱۳۸۸ق، ج ۲: ۴۶۸).

برخی از پژوهش‌ها نشان می‌دهد که یکی از رفتارهای مذهبی که با سلامت و تندرستی ارتباط دارد دعاست (مالونی، ۲۰۰۰م: ۲۵۸). بنابراین از مهم‌ترین موارد زندگی اسلامی که در سخت‌ترین شرایط به مؤمنان کمک شایانی می‌کند دعا یا همان استمداد از قدرت بیکران الهی است.

### توکل و اعتماد به خداوند

قرآن در آیات متعددی انسان‌ها را به توکل به خداوند فرا خوانده است، و این نکته را بیان فرموده که هر کس به معنای واقعی توکل کند خداوند برای او کافی است از جمله در آیات:

﴿وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ﴾ (طلاق/۳)

«و هر کس بر خدا اعتماد کند او برای وی بس است.»

﴿وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ وَكَفَى بِاللَّهِ وَكِيلًا﴾ (نساء/۸۳)

«و بر خدا توکل کن، و خدا بس کارساز است.»

و آیات دیگر (نک: آل عمران/۱۶۰؛ مائده/۱۱؛ هود/۸۸؛ الممتحنه/۴). توکل صحیح و واقعی عبارت است از کوشش و تلاش بی‌دریغ در راه هدف و در عین حال داشتن اعتماد کامل و خالص به خدا، و امید قطعی و استوار بدو و سپردن نتیجه امور به دست توانای او (هاشم‌زاده هریسی، ۱۳۸۶ش، ج ۱: ۱۲۴) و این توکل است که به عنوان یک راهکار قرآنی در مواقع حساس و مشکلات زندگی به فریاد انسان می‌رسد و او را از بن بست مشکلات نجات می‌دهد.

### سفارش به صبر و استقامت

صبر به معنای استقامت و مقاومت ورزیدن و پایداری در راه هدف است. خداوند در آیات مختلف انسان‌ها را به صبر و استقامت دعوت می‌کند از جمله:



﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ﴾ (بقره/۱۵۳)

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از شکیبایی و نماز یاری جوئید زیرا خدا با شکیبایان است.»

در آیه دیگر فلاح و رستگاری را به صبر متعلق می‌گرداند آنگاه که می‌فرماید:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ﴾

(آل عمران/۲۰۰)

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید، صبر کنید و ایستادگی ورزید و مرزها را نگهبانی کنید و از خدا پروا نمایید، امید است که رستگار شوید.»

و در آیات دیگر (نک: بقره/۱۴۳؛ آل عمران/۱۸۶؛ زمره/۲۴؛ نحل/۹۶) به اهمیت و تأثیر صبر در زندگی اشاره می‌کند. این سفارش‌ها و نویدهای قرآنی موجب می‌شود که انسان در حوادث زندگی خود را تنها احساس نکند. قرآن با ارائه راهکار مهم صبر و استقامت روش حل این مشکلات را به انسان ارائه کرده است. بدون شک رعایت این موارد تأثیرات مفید و متقنی در زندگی به جا می‌گذارد که تمام جوانب زندگی انسان را در بر می‌گیرد و اثرات مثبتی بر روی آن می‌گذارد.

### رابطه زندگی اسلامی و حیات طیبه در رسیدن به اهداف غایی

اکنون پس از شرح شاخصه‌ها و مؤلفه‌های سبک و سیاق زندگی اسلامی به مهم‌ترین رهاوردها و شاخصه‌های حیات طیبه می‌پردازیم. که هر فردی می‌تواند در زندگی خویش اگر دارای تمامی شرایط زندگی اسلامی باشد به رهاوردهای ذیل نایل شود. که برخی از این رهاوردها در دنیا و برخی دیگر در آخرت یعنی در بهشت به تحقق می‌رسد. به بیان دیگر انسان با داشتن زندگی اسلامی به حیات طیبه می‌رسد و با داشتن حیات طیبه از برکات و آثار آن در دنیا و آخرت بهره‌مند می‌گردد که در ادامه به برخی از مهم‌ترین این آثار و برکات اشاره می‌کنیم.

## خداباوری

یکی از مهم‌ترین و جامع‌ترین اصولی که قرآن درباره آن بحث گسترده‌ای دارد توحید است. بدون شک لازمه اصلی زندگی اسلامی و حیات طیبه خداباوری است، این اعتقاد باید در دنیا رخ دهد چراکه زیر بنای مابقی اعتقادات دیگر از جمله اعتقاد به معاد، نبوت و ولایت است. محور زندگی در حیات طیبه خداست. هر کاری که از فرد در این مرحله از حیات سر می‌زند برای خداست. هر پیامبری که عهده‌دار هدایت قوم‌اش شد اولین پیامش بندگی خدا بود. در واقع هدف اصلی پیامبران استقرار همین نکته یعنی بندگی خداست و هر کاری فرع و ابزاری برای این امر است (جمشیدی، ۱۳۸۲ش: ۴۲). قرآن کریم در آیات مختلف بارها محوری بودن خداوند تبارک و تعالی را بیان می‌کند. از جمله:

﴿قُلْ إِنَّ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ﴾ (انعام / ۱۶۲)

«بگو در حقیقت نماز من و سایر عبادات من و زندگی‌ام و مرگ من برای پروردگار جهانیان است».

در این آیه شریفه خداوند متعال به پیامبر اکرم (ص) دستور می‌دهد که به مردم بگوید: «به مردم بگو که من نماز، تمامی عبادات، زندگی‌ام و جمیع شؤون آن و همچنین مرگ‌ام با جمیع امور آن که مربوط به من است، همه را برای خدا قرار دادم بدون اینکه کسی در آن‌ها شریک او بدانم. خلاصه من در مسیر زندگی‌ام قدم بر نمی‌دارم و به سوی مرگ قدم نمی‌گذارم مگر برای او چون او پروردگار عالمیان، مالک و مدبر همه است» (طباطبایی، ۱۳۶۷، ج ۷: ۵۴۴). خداباوری و خدامحوری که مهم‌ترین ویژگی حیات طیبه است بر سایر ویژگی‌های این حیات سایه می‌اندازد.

## ولایت‌پذیری

از جلوه‌های روشن قانونمندی جامعه، نهاد ولایت و رهبری است. این جنبه از ویژگی‌های یکسان مابین حیات طیبه و زندگی اسلامی از منظر قرآن است که در همین دنیا باید به وقوع پیوندد. پذیرش ولایت و سرپرستی سنگ زیرین بنای حیات طیبه است. ولایت در مقایسه با سایر ارزش‌های اسلام مانند کلیدی است که با آن درب سایر

ارزش‌ها به روی جامعه گشوده می‌شود و ارج و ارزش پیدا می‌کند (حر عاملی، ۱۳۸۳، ج ۸: ۱۳۹). در حیات طیبه قرآنی مسأله ولایت و رهبری از یک سو و پذیرفتن آن از سوی مردم از سوی دیگر، از ویژگی‌های ذاتی و جوهری جامعه است. جامعه طیبه ولایی یعنی جامعه‌ای که مردم در ساختار اصلاحی و سازندگی آن رکن اصلی و اساسی به شمار می‌روند.

این ویژگی در آیات قرآن نیز مورد تأکید قرار گرفته است:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا سَتَجِدُوا اللَّهَ وَلِرَسُولِهِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ﴾ (انفال/ ۲۴)

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید چون خداوند و پیامبر شما را به چیزی فرا می‌خوانند که به شما حیات می‌بخشد، آنان را اجابت کنید».

بر طبق این آیه شریفه استجابات دعوت خداوند و پیامبر اکرم (ص) از ویژگی‌های مهم حیات برتر است. زیرا کسانی حق ولایت و سرپرستی به معنای خاص را بر مردم دارند که شایستگی بیش‌تری داشته باشند.

### جامع خیر دنیا و آخرت

عالم «عندیت» نه در حیات دنیایی محصور است و نه به حیات اخروی اختصاص دارد. بلکه خیر آن، بر دنیا و آخرت گسترده شده و برخورداران از «حیات طیبه» در همین دنیا از آن بهره‌مندند (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۸۰ ج ۹: ۵۲۵). ﴿فَعِنْدَ اللَّهِ ثَوَابُ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ﴾ (نساء/ ۱۳۴). پس پاداش دنیوی و اخروی نزد خدا است.

در ادعیه اهل بیت آمده: «وتحیینا حیاة طیبة فی الدنیا والآخره» (مجلسی، ۱۳۶۲ ق، ج ۹۵: ۳۶۳): ما را به زندگی پاکیزه، در دنیا و آخرت زنده بدار. از این دعا، معلوم می‌شود که «حیات طیبه»، شامل خیر دنیا و آخرت است و آیه شریفه نیز فرمود که خیر دنیا و آخرت، نزد خدا است. پس تحقق «حیات طیبه» با شاخص برخورداری از خیر دنیا و آخرت، عندالله محقق می‌شود. بنابراین کسانی که از زندگی اسلامی برخوردار هستند به این مقام نایل می‌شوند.

## پایداری

بهره‌مندی از «حیات طیبه»، ابدی و ماندگار است و کسی که به «حیات طیبه» دست یافت، در آن، نابودی و فرسودگی وجود ندارد. در آیه سوره نحل که بحث از «حیات طیبه» فرمود و اینکه عهد الهی را نفروشید، چراکه بهره عند الله برای شما نیکو و پسندیده و بهتر است، در استدلال به این جمله، فرمود:

﴿مَا عِنْدَكُمْ يَنْفَدُ وَمَا عِنْدَ اللَّهِ بَاقٍ﴾ (نحل/۹۶)

«آنچه نزد شما است، نابودشدنی و آنچه نزد خدا است ماندنی می‌باشد».

در آیه دیگر فرمود:

﴿وَمَا عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ وَأَبْقَى﴾ (قصص/۶۰)

«آنچه نزد خدا است، نیکوتر و پایدارتر است».

## نامحدود بودن

سرچشمه بیکران و بی‌پایان همه چیز، نزد خدا است و حتی بهره‌های اندک دنیایی هم جلوه و جرعه‌ای از آن خزانه‌های بیکران عند الله است:

﴿وَلَنْ مِّنْ شَيْءٍ إِلَّا عِنْدَنَا خَزَائِنُهُ وَمَا نُنزِلُ إِلَّا بِالْقَدْرِ مَعْلُومٍ﴾ (حجر/۲۱)

«و هیچ چیز نیست، مگر اینکه معادن آن، نزد خدا است و به اندازه معین، از آن فرود می‌آید».

راه‌یافتگان به آن عالم و «حیات طیبه» هرچه بخواهند، برای‌شان فراهم است و محدودیتی ندارد. ﴿لَهُمْ مَا يَشَاءُونَ عِنْدَ رَبِّهِمْ﴾ (زمر/۳۴): «هرچه بخواهند، برای آنان، نزد پروردگارشان هست». ﴿لَهُمْ مَا يَشَاءُونَ فِيهَا وَلَدَيْنَا مَزِيدٌ﴾ (ق/۳۵): «برای‌شان هرچه بخواهند، در آنجا هست، نزد ما بیش از آن است». از این رو، کسانی که در زندگی دنیا به «حیات طیبه» راه یافتند، هرچه اراده کنند، برای آنان فراهم می‌شود و این برای‌شان سهل و آسان است و وجود پیدا کردن خواسته‌های‌شان در مقابل مقام معنوی آنان، کوچک است. از شرحی که گذشت روشن می‌شود که این قسم از ویژگی حیات طیبه در آخرت به وقوع می‌پیوندد.

## نور

هر کس توفیق رسیدن به «حیات طیبه» پیدا کند، فردی است که از همه تعلقات و تیرگی‌ها، رهایی یافته و جان و دل‌اش، صاف و پاک گشته است. خداوند این گروه از راه‌یافتگان به «حیات طیبه» را به حضور می‌پذیرد:

﴿وَالَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ أُولَئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ وَالشُّهَدَاءُ عِنْدَ رَبِّهِمْ لَهُمْ أَجْرُهُمْ وَنُورُهُمْ﴾ (حدید/۱۹)

«کسانی که به خدا و رسول‌اش ایمان آوردند، آنان اهل راستی و گواهان نزد پروردگارتند که پاداش و نورشان برای آنان است».

این گروه، کسانی هستند که خداوند را با تمام وجود درک کرده و مظهر جمال و جلال او شدند، در میان مردم با این نور، حرکت می‌کنند:

﴿أَوْ مَنْ كَانَ مَيِّتًا فَأَحْيَيْنَاهُ وَجَعَلْنَا لَهُ نُورًا يَمْشِي بِهِ فِي النَّاسِ كَمَنْ مَثَلَهُ فِي الظُّلُمَاتِ لَيْسَ بِخَارِجٍ مِّنْهَا﴾ (انعام/ ۱۲۲)

«آیا کسانی که مرده بود، پس او را زنده کردیم و برایش نوری قرار دادیم که با آن، میان مردم حرکت کند، مثل کسی است که در تاریکی‌ها وامانده و راه‌گریزی ندارد».

افرادی که زندگی خود را بر مبنای موازین قرآن و اهل بیت(ع) قرار داده‌اند و به «حیات طیبه» راه یافته‌اند، به میزان درک حضور، توان انعکاس نور را دارند. در این میان، اهل بیت رسول خدا، تمام نور او را دریافته و جهان را به نور او فروغ و روشنی بخشیده‌اند.

## سلام

آنچه موجب می‌شود فرد در زندگی خود به این مرحله از حیات طیبه برسد پرهیز از رذایل اخلاقی هم‌چون بدگمانی، تجسس، غیبت و حسد، و هم‌چنین تقویت فضایل اخلاق مانند صدق و خوش خلقی است. «سلام» به معنای سلامتی و نداشتن کاستی و بیماری است.

اهل «حیات طیبه» و راه یافتگان به عالم «عندیت» مظهر اسم «سلام» خدا بوده و از کاستی‌ها و بیماری‌ها پاک و پیراسته‌اند: ﴿لَهُمْ دَارُ السَّلَامِ عِنْدَ رَبِّهِمْ﴾ (انعام/۱۲۷)؛ «سرای سلامت نزد پروردگارشان برای آنها است». این سلامت، سلامت قلب و جان است، نه تنها جسم و تن، زیرا جسم و تن در عالم باقی و حیات پایدار و ماندگار، مغلوب روح و قلب است. خدای متعال در این مورد فرمود:

﴿يَوْمَ لَا يَنْفَعُ مَالٌ وَلَا بَنُونَ ۚ إِلَّا مَنْ أَتَى اللَّهَ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ﴾ (شعراء/ ۸۸-۸۹)

«روزی که دارایی و فرزندان فایده‌ای ندارد، مگر کسی که دلی سالم به حضور پروردگار آورد».

در مقابل، کسانی هم هستند که از «حیات طیبه» و درک محضر الهی محروم‌اند:

﴿فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ فَزَادَهُمُ اللَّهُ مَرَضًا وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ بِمَا كَانُوا يَكْذِبُونَ﴾ (بقره/۱۰)

«در دل‌های‌شان مرض است و خداوند بیماری و کاستی دل‌شان را بیش‌تر می‌کند و برای‌شان عذاب دردناکی است».

## علم

یکی از والاترین و برترین شاخصه‌های «حیات طیبه» و کسانی که به «حیات طیبه» زنده هستند، ویژگی دارا بودن علم است. خود قرآن، شناخت خدا و آیات و آثار او و تمام علم، نزد خدا است: ﴿إِنَّمَا الْعِلْمُ عِنْدَ اللَّهِ﴾ (احقاف/۲۳)؛ علم، تنها نزد خدا است و هرکس به علم حقیقی برسد، بهره عند الهی یافته و به جهان «عندیت» راه یافته است. اهل بیت رسول خدا، معدن و منبع این علم و سرآمد اهل «حیات طیبه» اند. امام باقر علیه‌السلام فرمود: «والله انا لخزان الله في سمائه وأرضه، لا على ذهب لا على فضة الا على علمه» (کلینی، ۱۳۸۸، ج ۱: ۱۹۲)؛ به خدا سوگند که ما خزانه‌داران خدا در آسمان و زمین‌اش هستیم. نه خزانه‌داری بر طلا و نقره، بلکه خزانه‌داری علم اویسیم.

## پرباری و سودمندی

اثر و رهاورد دیگر حیات طیبه پرباری و سودمندی آن برای همگان است. کسانی که در زندگی اسلامی شاخصه‌های امور اجتماعی هم‌چون مقابله و رویارویی با استکبار و

استعمار، اتحاد و یکپارچگی و پرهیز از تفرقه و نفاق و حمایت اقتصادی از اقشار آسیب پذیر را دار باشند به این قسم دست پیدا خواهند کرد. چراکه برای خویش و دیگران سودمند هستند. خداوند این میوه شیرین و همیشه در دسترس را در قالب کلمه طیبه‌ای که به آن شجره طیبه مثل می‌زند به ما نشان داده است:

﴿الْمُتْرِكِينَ صَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا كَلِمَةً طَيِّبَةً كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَفَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ ۖ تُؤْتِي أَكْثَرَ كُلِّ حَيْثُ يَأْتِيهَا وَيُضْرَبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ﴾ (ابراهیم / ۲۴-۲۵)

«آیا توجه نکرده‌ای که خداوند درباره سخن پاک چگونه مَثَل زده است؟ سخن پاک چون درختی پاک و مبارک است که ریشه آن [در زمین] ثابت است و شاخه‌هایش به سوی آسمان قد می‌کشند. [درخت پاک] همواره در فصل معین به فرمان آفریدگارش میوه‌های خود را می‌دهد خداوند برای [هدایت] مردم مَثَل‌ها می‌آورد تا متذکر شوند و پند گیرند».

طیبه نامید به جهت آنکه زاکیه و نامیه باشد تا صاحب‌اش را خیر و برکت دهد، خداوند شجره را به طیبه توصیف فرموده به چند دلیل:

۱- از حیث منظر و صورت و شکل و هیأت. ۲- بوی برگ‌ها و ساق‌ها. ۳- لذیذبودن میوه. ۴- زیادی فایده از برگ و لیف و چوب و میوه و هسته (حسینی شاه عبدالعظیمی، ۱۳۶۳ش، ج ۷: ۴۶). حکمت تشبیه دیانت اسلام به درخت، آن است که درخت استوار نیست مگر به سه چیز: عرقی ثابت، و اصلی قائم، و فرعی عالی. هم‌چنین اسلام و ایمان به سه رکن بر پا گردد: تصدیق قلبی، و اقرار زبانی، و عمل ارکانی. چنانچه از حضرت /میرالمؤمنین علیه السلام مروی است: «الایمان معرفة بالقلب وإقرار باللسان وعمل بالأركان» (نهج البلاغه، ۱۳۸۵ش: ۲۱۸).

ولی حد اعلاى سودمندی در بین جمیع موجودات، وجود مبارک معصومین (ع) است که هم برای انسان‌ها سودمند هستند و هم ماورای طبیعت برای فرشتگان و مقربین. و این مهم به دلیل اصلی ثابت و شاخه‌های برافراشته در بلندای آسمان عبودیت‌اند (نک: جوادی آملی، ۱۳۷۰: ۱۸۵-۱۹۲).

## نتیجه بحث

بر اساس مطالب پیش گفته برآیند نهائی این مقاله را می‌توان به اختصار در موارد ذیل فهرست نمود:

اصلی‌ترین بعد زندگی اسلامی و زیربنائی‌ترین رکن آن، اعتقادات، هم‌چون اعتقاد به خدای واحد، اعتقاد به معاد، و ولایت می‌باشند که از آن تعبیر به اصول دین می‌شود؛ به گونه‌ای که از این اصول، شاخصه‌ها و مؤلفه‌های زندگی اسلامی نشأت می‌گیرند. زندگی اسلامی دارای شاخصه‌های کلی، مؤلفه‌های عملی و رفتاری همانند اقامه نماز، روزه و زکات است که در دو حیطه فردی و اجتماعی همانند حمایت از اقتصاد کشور و پایبندی به معاهدات در روابط اجتماعی، نمایان می‌شود. قابل ذکر است که حیطه فردی به دو قسم پرهیز از رذایل اخلاقی هم‌چون پرهیز از خشم و غضب، بدگمانی و تجسس و نیز انجام فضایل اخلاقی همانند، صداقت و راستگویی تقسیم می‌شود.

رابطه زندگی اسلامی و حیات طیبه به این صورت است که زندگی اسلامی مقدمه رسیدن به حیات طیبه است. حیات طیبه، یک حیات جدید، غیر از آن حیاتی است که دیگران زندگی می‌کنند می‌باشد و نمونه‌ای از مرتبه والای زندگی است که آثار آن در دنیا و آخرت نصیب کسانی خواهد شد که سبک زندگی آنان در دنیا به طریق اسلامی باشد. ایمان و عمل صالح، ملاک و معیار اساسی سبک زندگی اسلامی و دستیابی به حیات طیبه است. حیات طیبه و لقای پروردگار هر دو، با ایمان و عمل صالح به دست می‌آید. از آن جهت که «حیات» سبب حس و حرکت در همه موجودات است، «حیات طیبه» نیز سبب شهود حق تعالی و سیر در تجلیات انوار الهی و سبک زندگی جدید نورانی برای آدمی می‌گردد.

از جمله آثار «حیات طیبه» و زندگی اسلامی، افزون بر شادی و آرامش در زندگی و شعور و بینش و بصیرت شهودی، زندگی تحت ولایت خدا است که در آن، سختی و فرسودگی و ذلت و شقاوت راه ندارد، به گونه‌ای که با این آثار سعادت دنیا و آخرت نصیب کسانی می‌شود که سبک زندگی آن‌ها اسلامی می‌باشد.



## کتابنامه

### قرآن کریم.

### نهج البلاغه.

- ابن حنبل، احمد. ۱۴۰۴ق، مسند، بیروت: دار صادر.
- ابن سعد، محمد. بی تا، الطبقات الكبرى، بیروت: دار صادر.
- ابن کثیر. ۱۴۱۲ق، تفسیر القرآن العظیم، بیروت: دار المعرفه.
- ابن منظور، محمد بن مكرم. ۱۴۱۴ق، لسان العرب، چاپ سوم، قم: ادب الحوزه.
- اعرافی، علیرضا. ۱۳۷۶ش، اهداف تربیت از دیدگاه اسلام، تهران: مرکز انتشارات علمی و فرهنگی.
- آلوسی، محمود. ۱۴۱۵ق، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم چاپ اول، بیروت: دار الکتب العلمیه.
- امینی، عبدالحسین احمد. ۱۳۷۳ش، خودسازی با تزکیه نفس، قم: انتشارات شفق.
- امینی، عبدالحسین احمد. ۱۳۹۷ق، الغدیر، بیروت: دار الکتب العربی.
- حسینی فیروزآبادی، سید مرتضی. ۱۴۰۲ق، فضائل الخمسه من الصحاح الستّه، بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
- جوادی آملی، عبدالله. ۱۳۷۹ش، فطرت در قرآن، قم: مرکز نشر اسراء.
- الخورى الشرتونی لبنانی، سعید. ۱۹۸۹م، اقرب الموارد، بیروت: مطبعه موسی السیوعه.
- سادوک، بنیامین. ۱۳۷۶ش، بهداشت روان، فصلنامه اندیشه و رفتار، ترجمه نصرت الله پور افکاری، شماره ۱۰-۹.
- طباطبائی، محمدحسین. ۱۳۶۷ش، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه سید محمدباقر موسوی، چاپ چهارم، تهران: انتشارات بنیاد علمی و فکری علامه طباطبائی.
- طیب، عبدالحسین. ۱۳۷۸ش، أطیب البیان فی تفسیر القرآن، چاپ دوم، تهران: انتشارات اسلام.
- کاشانیها، زهرا. ۱۳۸۶ش، ایمان مؤمنان در قرآن و حدیث، تهران: نشر امین.
- مالونی و همکاران. ۲۰۰۰م، اسلام و بهداشت روان، تهران: انتشارات بیتا.
- هاشم زاده هریسی، هاشم. ۱۳۸۶ش، فرهنگ قرآن، چاپ اول، تهران: انتشارات پیام آزادی.
- هاشمی رفسنجانی، اکبر. ۱۳۸۰ش، تفسیر راهنما، قم: بوستان کتاب.